



دانشگاه علوم و معارف قرآن کریم
دانشکده علوم قرآنی ایلام

تناسب آیات و سور

با تکیه بر

بررسی انواع ارتباط برون سوره‌ای

گردآوری: ولی جهانگیری

اردیبهشت ۱۳۹۵

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

فهرست مطالب

صفحه	عنوان	
۱	مقدمه	۱
۲	کلیات	۱
۳	ارتباط میان اسم سوره و مضمون آن	۲
۳	توقیفی یا اجتهادی بودن اسامی سوره‌ها	۲،۱
۳	عدم توقیفی بودن اسامی سوره‌ها	۲،۱،۱
۳	توقیفی بودن نام سوره‌ها	۲،۱،۲
۴	ارتباط بین سوره‌ها	۳
۴	ارتباط بین کلّ سوره‌ها	۳،۱
۴	ارتباط بین سور بر اساس ترتیب کنونی	۳،۱،۱
۷	ارتباط میان سوره‌ها بر مبنای ترتیب نزول	۳،۱،۲
۸	ارتباط میان سور، فارغ از ترتیب خاص	۳،۱،۳
۸	ارتباط و پیوستگی میان مجموعه‌های از سوره‌های قرآن	۳،۲
۹	ارتباط و پیوستگی میان مجموعه‌ی حاصل از رأی و اجتهاد	۳،۲،۱
۹	ارتباط و پیوستگی میان مجموعه‌ی سور، برگرفته از روایات	۳،۲،۲
۱۴	فهرست منابع و مآخذ	۱۴

در گذشته مفسران به تفسیر آیه به آیه قرآن می پرداختند؛ بدین معنا که یک یا چند آیه قرآن را به صورت مجزا از آیات قبل و بعد بررسی و شرح می کردند. در این رویکرد تفسیری، ترتیب آیات و سوره های قرآن اهمیت چندانی در غرض و مقصود تفسیر نداشت. با توجه به این دیدگاه عجیب نیست که بسیاری از مستشرقان بر آن شدند که قرآن فاقد انسجام ساختاری و محتوایی است.

اما این نظریه که سوره های قرآن واحدهایی منسجم و یکپارچه اند، اندیشه ای کاملاً مدرن نیست. گرچه غالب مفسران مسلمان به این موضوع بی توجه بوده اند، با این حال می توان مفسرانی نیز یافت که در تفسیر خود علاوه بر شرح آیات به طور مجزا، به بیان مناسبت میان آیات و رابطه سوره های قرآن نیز پرداخته باشند. چنانکه زرکشی (متوفی ۷۹۴) بخشی کامل از کتاب «البرهان فی علوم القرآن» خود را به این موضوع اختصاص داده و سیوطی (متوفی ۹۱۱) نیز در «الاتقان» چنین کرده است. اما این گونه تلقی در میان سنت رایج تفسیری چندان جایگاه و عمومیت نداشته است.

اما در دوران معاصر چندی از اندیشمندان مسلمان توان خود را صرف تبیین این اندیشه کرده اند که قرآن به لحاظ مضمونی و ساختاری تا حدّ زیادی دارای انسجام و یکپارچگی است و ظاهراً این دیدگاه نوعی اجماع عمومی را هم در پی داشته است.

این اقبال عمومی و توجه ویژه به مسئله یکپارچگی و وحدت موضوعی در قرآن را می توان از دو منظر کاملاً متفاوت تحلیل کرد: از یک سو، این رهیافت واکنش مفسران معاصر به رویکرد سنتی حاکم بر سنت تفسیرنگاری قرآن محسوب می شود که در آن بیشتر بر جزئیات نحوی و زبان شناختی آیات تأکید شده و کمتر به مضامین گسترده و کلان (اعتقادی، اجتماعی، فرهنگی و...) در سوره ها توجه می شد، و از سوی دیگر، عکس العملی نسبت به دیدگاه های غریبان و خاورشناسان بوده است که قرآن را کتابی آشفته، تکراری و متناقض می شمردند. می توان بر این دو عامل انفعالی، زمینه ای فعال نیز افزود. به بیان دیگر، گرایش مفسران به نظریه وحدت قرآن را می توان برخاسته از این فهم یک سده اخیر روشنفکران مسلمانان دانست که بنا بر آن تفسیر مجدد اسلام را باید از قرآن آغاز کرد، چه شعار اغلب آنان این است که متن قرآن خود باید منبع اصلی در تعیین معنای قرآن باشد و از نقش منابع برون قرآنی در فهم قرآن کاسته شود، لازمه چنین طرز تلقی آن است که قرآن کتابی در نهایت انسجام و ارتباط تلقی شود.

در سال های اخیر مفسرانی به نگارش تفسیر کامل قرآن بر اساس نظریه انسجام و وحدت سوره های آن اقدام کرده اند که در این میان می توان از سعید حوئی، عبدالعلی بازرگان و محمود بستانی نام برد.

ارتباط و انسجام میان آیات و سوره ها را می توان به طور کلی ذیل دو عنوان: ارتباط برون سوره ای و درون سوره ای قرار داد؛ در مقاله حاضر به بحث و بررسی پیرامون ارتباطات برون سوره ای می پردازیم.

«تناسب» و «مناسبه» از ماده‌ی «نسب» به معنای نزدیکی و خویشاوندی (جوهری: ۱۰۳۶؛ راغب: ۸۰۱؛ ابن منظور: ۷۵۵/۱؛ فیومی: ۶۰۲؛ زبیدی: ۴۸۳/۱) و مشاکلت و همانندی (جوهری: ۱۰۳۶؛ ابن منظور: ۷۵۵/۱؛ طریحی: ۱۷۰/۲؛ زبیدی: ۴۸۳/۱؛ انیس و دیگران: ۹۱۶/۲؛ شرتونی: ۳۸۹/۵) آمده است.

در علوم قرآنی «تناسب» به معنی هم شکلی و هم بستگی میان آیات، و پیوند معنایی آیه‌ای با آیه‌ی دیگر است که گاه به صورت عامّ و خاصّ، گاه پیوند عقلی، حسّی و خیالی یا نوعی از علاقه و تلازم ذهنی مثل سبب و مسبّب، علّت و معلول و یا حتّی دو مخالف و ضدّی است که پیوستگی موضوعی را نشان می‌دهد (زرکشی: ۱۳۱/۱؛ سیوطی، الاتقان: ۶۹۵).

علم مناسبات در تقسیم بندی علوم زیر مجموعه‌ی علوم قرآن قرار می‌گیرد و با علوم دیگر نظیر سیاق، اسباب النزول، تفسیر ترتیبی و موضوعی، اعجاز قرآن، قصص قرآن، مثل‌های قرآن، قسم‌های قرآن و مسأله‌ی هماهنگی لفظ و محتوا، ارتباط دارد و از جهتی هر کدام از این موضوعات علوم قرآنی، به گونه‌ای روشنگر نقش پیوستگی‌ها در پژوهش‌های قرآنی است (ایازی: ۵۷).

بررسی علم مناسبات و تناسب آیات و سور نشان می‌دهد این مبحث با موضوع اعجاز قرآن عجین و در واقع وجهی از وجوه آن به شمار می‌آید. آقای ایازی معتقد است، مبحث مناسبات، از قرن چهارم و پنجم، که دوران طلایی نخست اعجاز است، به تدریج در میان پژوهشگران قرآنی مطرح شده است، ولی در آن حدّی از تألیف و استدلال که مورد بحث و عنایت قرار بگیرد نبوده است. ایشان بیشترین توجّه به رابطه‌ی علم مناسبات و اعجاز را مربوط به قرن چهارم دانسته و معتقد است، در این دوران مسئله‌ی پیوستگی میان آیات و سوره‌ها از مصادیق بارز اعجاز شناخته شد (همو: ۱۱۹-۱۱۶).

ارتباطات برون سوره‌ای یعنی ارتباط میان یک سوره و چیزی خارج از محدوده‌ی آن، که شامل موارد زیر می‌باشد:

۲ ارتباط میان اسم سوره و مضمون آن

زیربنای این وجه توقیفی بودن اسامی سوره‌ها است؛ اما در صورتی که مشخص شود نام‌گذاری سوره‌ها توسط صحابه یا علما صورت گرفته، پرداختن به آن وجهی نخواهد داشت.

۲،۱ توقیفی یا اجتهادی بودن اسامی سوره‌ها

در این زمینه دو دیدگاه عمده وجود دارد:

۲،۱،۱ عدم توقیفی بودن اسامی سوره‌ها

برخی از قرآن پژوهان برآنند که تسمیه سوره‌ها جنبه تعیینی و توقیفی ندارد؛ از جمله می‌توان به احمد خان هندی (احمد خان هندی: ۲۸/۱-۲۷) و جوادی آملی اشاره کرد. (جوادی آملی: ۲۸/۲-۲۷).

علامه طباطبایی، گرچه تعیین بسیاری از نام‌های سور در عصر پیامبر اکرم (ص) را می‌پذیرد، اما معتقد است این تعیین در اثر کثرت استعمال بوده و به هیچ وجه توقیفی نیست. ایشان در کتاب خود به روش‌هایی که معمولاً برای نامگذاری سوره‌ها به کار رفته اشاره می‌کند. (طباطبائی، قرآن در اسلام: ۲۱۹).

۲،۱،۲ توقیفی بودن نام سوره‌ها

در مقابل نظریه‌ی پیشین، برخی معتقدند، اسامی سوره‌ها توقیفی و بر اساس وحی صورت گرفته است (برای نمونه ن. ک: سیوطی، الاتقان: ۱۴۰؛ ابن عاشور: ۹۲/۱-۹۰؛ ابیاری: ۵۸/۲؛ حجتی: ۹۸).

طرفداران این نظریه با اینکه در توقیفی بودن اسامی سوره‌ها اتفاق نظر دارند، اما در مورد میزان ارتباط اسامی با مضمون سور با یکدیگر دچار اختلافند. بر این اساس می‌توان آنان را به دو گروه تقسیم نمود:

۲،۱،۲،۱ تسمیه‌ی سوره‌ها از سوی شارع با کمترین مناسبت

این دیدگاه بیان می‌کند، اگرچه تسمیه سوره‌ها جنبه‌ی توقیفی دارد اما بر اساس عادت و عرف عرب و با کمترین مناسبت انجام گرفته است. قائلان دیدگاه فوق معتقدند در نامگذاری کوچک‌ترین مناسبت کافی است؛ «یکفی فی التسمیه ادنی المناسبه» (معرفت، تاریخ قرآن: ۷۹).

گروه دوّم با تأکید بر توقیفی بودن اسامی سوره‌ها، معتقدند میان اسامی و مقاصد سوره‌ها تناسب و ارتباط وجود دارد (خامه گر: ۱۳۰؛ رامیار: ۵۸۱). سیوطی در کتاب الاتقان ضمن بیان این مطلب که سخن زرکشی در وجه تسمیه‌ی سوره‌های قرآن امری کلی نبوده و در همه‌ی سوره‌ها قابل اثبات نیست (سیوطی، الاتقان: ۱۵۰)، در نوع شصتم آن، تناسب نام‌های سوره‌ها با مقاصد آنها را مورد تأکید قرار داده است (همان: ۷۰۴).

از جمله تفاسیری که به این نوع از ارتباط توجه خاص کرده، تفسیر «نظم الدرر فی تناسب الآیات و السور» است. مؤلف معتقد است باید ابتدا مقصود و غرض اصلی سوره را مشخص کرد و بهترین راه نیل به این هدف توجه به نام سوره است (بقاعی: ۱۹/۱)؛ برای نمونه ایشان در مورد ارتباط سوره‌ی بقره با نام آن می‌نویسد: «مقصود اصلی سوره بقره، اقامه‌ی دلیل بر این معنی است که قرآن کتاب هدایت است و باید از آنچه می‌گوید تبعیت شود. و مهم‌ترین چیزی که قرآن انسان‌ها را بدان راهنمایی می‌کند، ایمان به غیب است و این همان چیزی است که محور و مدار «داستان بقره» در این سوره است و به همین علت این سوره را بقره نامیدند» (بقاعی: ۵۶/۱؛ هم چنین: ۷۱/۸ و ۱۱۸، ۱۰۵/۱۳).

۳ ارتباط بین سوره‌ها

از انواع ارتباطات برون سوره‌ای، پیوستگی میان سوره‌هاست که شامل دو دسته می‌شود. یکی ارتباطات مطرح شده در زمینه‌ی کلّ سور قرآن و دیگری ارتباطاتی که در باب مجموعه‌ای از سوره‌ها ذکر شده است.

۳،۱ ارتباط بین کلّ سوره‌ها

در این حالت هر سوره با سوره‌ی مجاور –طبق یک دیدگاه حتی غیر مجاور– دارای ارتباط و پیوستگی است.

۳،۱،۱ ارتباط بین سور بر اساس ترتیب کنونی

گروهی از قرآن پژوهان، با اعتقاد بر وحیانی بودن چینش سوره‌ها قائل به وجود ارتباط میان آنها هستند (برای نمونه ر.ک: زرکشی: ۱۳۴/۱-۱۳۳؛ سیوطی، ترتیب سور القرآن: ۳۶-۳۱ و ۲۷-۲۵؛ مسلم: ۷۸؛ همای، چهره زیبای قرآن: ۵۰). این افراد برای این نوع از انسجام و جوهی ذکر کرده‌اند که در زیر اشاره می‌گردد:

۳،۱،۱،۱ ارتباط مضمونی میان سوره‌های متوالی

طرفداران این نظریه معتقدند، سوره‌های قرآن همچون گردن‌بندی است که با بند و بستی به یکدیگر متصل شده‌اند و تماماً در یک نظام مرتبط و منسجم حول محور توحید با یکدیگر پیوند خورده‌اند؛ به طوری که با جابجا کردن فرضی آنها این هماهنگی به هم می‌خورد. به عبارت دیگر، این قرآن از ۱۱۴ موضوع و مقاله با نام سوره تشکیل شده که هر کدام در

عین استقلال، مانند فصول مختلف یک کتاب به ترتیب خاصی به دنبال یکدیگر قرار گرفته‌اند. اعتقاد به چنین نظمی کمک شایانی به فهمیدن منظوره‌های سوره در ارتباط با سوره‌های قبل و بعد می‌نماید (بازرگان: ۶/۱).

مراغی چگونگی ارتباط میان سوره‌ی نبا و سوره‌ی پیشین آن (مرسلات) را چنین بیان می‌نماید:

«(۱) سوره‌ی نبا شامل اثبات قدرت بر برانگیختن مردگان است که در سوره‌ی پیشین یاد شده و کافران آن را تکذیب می‌کردند. (۲) چه در این سوره و چه در سوره‌ی قبلی سرزنش و کوبیدن تکذیب‌کنندگان وجود دارد؛ در آنجا گفته شد: «أَلَمْ نَخْلُقْكُمْ مِّنْ مَّاءٍ مَّهِينٍ»^۱ و اینجا گفته می‌شود: «أَلَمْ نَجْعَلِ الْأَرْضَ مِهَادًا»^۲. (۳) در هر دو سوره توصیف بهشت و جهنم و نعمت‌های پرهیزکاران و عذاب‌های منکران وجود دارد. (۴) در این سوره تفصیل آنچه در سوره‌ی پیشین از یوم‌الفصل گفته شده آمده است؛ در آنجا می‌گوید: «لِأَيِّ يَوْمٍ أُجِّلَتْ. لِيَوْمِ الْفَصْلِ. وَمَا أَدْرَاكَ مَا يَوْمُ الْفَصْلِ»^۳، و اینجا می‌گوید: «إِنَّ يَوْمَ الْفَصْلِ كَانَ مِيقَاتًا»^۴ تا به آخر سوره» (مراغی: ۳/۳۰).

رشید رضا، درباره‌ی تناسب میان سوره‌های انفال و توبه می‌نویسد: «تناسب میان این دو سوره و سوره‌ی پیش از آن، از تناسب سایر سوره‌ها باهم آشکارتر است؛ گویی سوره‌ی توبه در اصول دین و سنت‌های الهی و نظام تشریح و قانون‌گذاری، متمم سوره‌ی انفال است. البته بیشترین قانون‌های این دو سوره درباره‌ی احکام جنگ و مسائل مربوط به آن، مانند آمادگی رزمی و عوامل پیروزی در جنگ است... پس هر آنچه در سوره‌ی نخست، آغاز به طرح شده است در سوره‌ی دوم پایان یافته ... آنچه گفتیم مؤید نظر کسانی است که گفته‌اند این دو سوره یکی است، همچنان که ترتیب سوره‌ها از نظر طولانی بودن نیز این مسأله را تأیید می‌کند» (رشید رضا: ۱۴۸/۱۰ - ۱۴۷).

فخر رازی، و به پیروی از او سیوطی و زرکشی، ارتباط نزدیکی میان سوره‌ی کوثر با سوره‌ی ماعون برقرار می‌دانند از نظر آنها سوره‌ی کوثر همانند نقطه‌ی مقابل سوره‌ی پیش از خود یعنی ماعون است. زیرا خداوند در سوره‌ی قبلی منافقین را به چهار صفت یاد کرد: بخل، ترک نماز، خودنمایی در نماز و جلوگیری از زکات، و در این سوره در مقابل بخل آیه‌ی «إِنَّا أَعْطَيْنَاكَ الْكَوْثَرَ» را، در مقابل ترک نماز کلمه‌ی «فَصَلِّ» که امر به مداومت بر نماز است را، در مقابل خودنمایی کلمه‌ی «لِرَبِّكَ» را و در مقابل جلوگیری از زکات کلمه‌ی «وَأَنْحَرْ» را که منظور از آن صدقه دادن گوشت‌های قربانی است مطرح فرموده است (فخر الدین رازی: ۳۰۷/۳۲؛ زرکشی: ۱۳۴/۱؛ سیوطی، الاتقان: ۷۰۰؛ همو، ترتیب سور القرآن: ۱۶۹).

^۱ - مگر شما را از آبی بی‌مقدار نیافریدیم؟ (مرسلات/۲۰)

^۲ - آیا زمین را گهواره‌ای نگردانیدیم؟ (نبا/۶)

^۳ - برای چه روزی تعیین وقت شده است؟ برای روز داوری. و تو چه دانی که روز داوری چیست؟ (مرسلات/۱۴ - ۱۲)

^۴ - قطعاً و عده‌گاه [ما با شما] روز داوری است: (نبا/۱۷)

از نظر سیوطی حتی در بعضی از موارد این ارتباط در لفظ نیز ظاهر می‌شود، هم چنان که میان آخر سوره‌ی فیل: «فَجَعَلَهُمْ كَعَصْفٍ مَّأْكُولٍ»^۵ با آغاز سوره‌ی قریش «لِإِيلَافٍ قُرَيْشٍ»^۶، این ارتباط لفظی مشاهده می‌شود (سیوطی، الاتقان: ۷۰۰). سیوطی به نقل از کواشی در تفسیر سوره‌ی مائده می‌گوید: «چون خداوند سوره‌ی نساء را با امر توحید و عدالت ورزی میان بندگان به پایان برده، در آغاز سوره‌ی مائده آن را با این فرمان مورد تأکید قرار داد «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا أَوْفُوا بِالْعُقُودِ»^۷ (همان).

مؤلف «مجمع البيان في تفسير القرآن»، در قسمت های مختلف تفسیر خود به این وجه از تناسب پرداخته است. برای نمونه، ایشان معتقد است در سوره‌ی مائده و انعام، خداوند سوره‌ی مائده را به آیه «عَلَىٰ كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ»^۸ خاتمه داد و سوره‌ی انعام را هم با بیان خلقت آسمانها و زمین و ... (الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي خَلَقَ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضَ وَجَعَلَ الظُّلُمَاتِ وَالنُّورَ) آغاز کرد که دلیل قدرت کامل اوست (طبرسی، مجمع البيان: ۵/۸؛ هم چنین ن.ک؛ ۵/۵ و ۱۷۹/۶ و ۴/۱۲ و ۱۵۵/۱۲ و ...).

زرکشی، در کتاب البرهان با تأکید بر این گونه از مناسبات بین سوره‌ای، موارد متعددی از آن را ذکر کرده است. مثلاً ایشان معتقد است، آمدن «الْحَمْدُ لِلَّهِ» در آغاز سوره‌ی فاطر، متناسب با آیه‌ی آخر سوره‌ی «سبأ» است که خداوند فرموده است: «وَحِيلَ بَيْنَهُمْ وَبَيْنَ مَا يَشْتَهُونَ كَمَا فُعِلَ بِأَشْيَاعِهِمْ مِّن قَبْلُ»^{۱۰} (زرکشی: ۱۳۴/۱). یا در جای دیگر می‌نویسد، آغاز شدن سوره‌ی «بنی اسرائیل» با تسبیح خداوند، با سرآغاز سوره‌ی «کهف» که با حمد خداوند آغاز شده تناسب دارد، زیرا تسبیح در همه جای قرآن مقدم بر حمد آمده است (همان: ۱۳۵/۱).

نصر حامد ابوزید نیز از جمله‌ی افرادی است، که بر ارتباط میان آغاز یک سوره با پایان سوره‌ی پیشین تأکید دارد، و آن را بیشتر پیوند اسلوبی و لغوی می‌داند. وی درباره‌ی مناسبت بین سوره‌ی مائده و انعام معتقد است، بر اساس آیات پایانی سوره‌ی مائده، خداوند در روز قیامت میان عیسی بن مریم و قومش که مدعی الوهیت اویند، جدایی می‌افکند و داوری می‌کند. حال که مضمون عمومی بخش پایانی سوره‌ی مائده، جدایی و داوری است، می‌توان رابطه‌ی آن با ابتدای سوره‌ی انعام را - که با «الْحَمْدُ لِلَّهِ» آغاز می‌شود - با تکیه بر آیه‌ای از سوره‌ای دیگر یافت: «وَقُضِيَ بَيْنَهُم بِالْحَقِّ وَقِيلَ الْحَمْدُ لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ»^{۱۱}. این رابطه که متن قرآنی میان «جدایی و داوری» و «حمد» برقرار ساخته است، به قانونی کلی

^۵ - و [سرانجام، خدا] آنان را مانند گاه جویده شده گردانید. (فیل/۵)

^۶ - برای الفت دادن قریش، (قریش/۱)

^۷ - ای کسانی که ایمان آورده‌اید، به قراردادهای خود وفا کنید... (مائده/۱)

^۸ - ... بر هر چیزی تواناست. (مائده/۱۲۰)

^۹ - ستایش خدایی را که آسمانها و زمین را آفرید، و تاریکیها و روشنایی را پدید آورد... (انعام/۱)

^{۱۰} - و میان آنان و میان آنچه [به آرزو] می‌خواستند حایلی قرار می‌گیرد همان گونه که از دیرباز با امثال ایشان چنین رفت... (سبأ/۵۴)

^{۱۱} - ... و میانشان به حق داوری می‌گردد و گفته می‌شود: «سپاس، ویژه پروردگار جهانیان است.» (زمر/۷۵)

در تفسیر روابط میان سوره‌ها بدل می‌گردد. ابو زید هم چنین، عقیده دارد روابط و مناسبت‌هایی میان سوره‌ها وجود دارد که به این اندازه نیازمند تأویل نیست، بلکه صرفاً بر نوعی رابطه زبانی یا تکرار واژه‌ها در میان آیات انتهایی یک سوره و آیات ابتدایی سوره‌ی بعدی مبتنی است (ابوزید: ۲۸۲).

۳،۱،۲ ارتباط میان سوره‌ها بر مبنای ترتیب نزول

این دیدگاه بیان می‌دارد، در صورتی که چینش سور قرآنی را بر اساس ترتیب نزول در نظر بگیریم، میان مضامین آنها ارتباط و تناسب وجود دارد. به نوعی افرادی که به تعیین ترتیب نزول سوره‌ها پرداخته و در تشخیص مکان سور، مضامین آنها را مد نظر قرار داده‌اند، می‌توان جزء معتقدین به این نظریه محسوب کرد.

مؤلف «تفسیر البصائر»، از جمله‌ی کسانی است که وجوهی را برای ارتباط سور با یکدیگر بر حسب زمان نزول ذکر کرده است. برای نمونه ایشان در مورد سوره‌ی حدید می‌گوید:

این سوره تحقیقاً پس از سوره ۹۹ (زلزال) نازل شده است. پس از این که در سوره الزلزال به خبر دادن خداوند به انسان در روز قیامت از آنچه در دنیا انجام داده است اشاره شد و نیز بعضی از نشانه‌های قیامت که موجب تشویق به کارهای نیک و ترسیدن از انجام کارهای بد است - مورد اشاره قرار گرفت، سوره الحدید نازل شده و همه‌ی مردم را به ایمان و عمل شایسته فرا خوانده است. ثروتمندان را به صرف مال در راه برتری سخن حق و خرد کردن پایه‌های باطل تشویق کرده و مؤمنین را به قتال و استفاده از آهن (و سلاح) ترغیب می‌کند تا دنباله‌های اهل کفر و نفاق را قطع نمایند، و به سرانجام پرهیزگاران و عقوبت بدکاران اشاره دارد» (جویباری: ۷۳/۴۴).

در موارد متعدّد علامه‌ی طباطبایی از مبنای فوق (وجود ارتباط و مناسبت میان مضمون سوره‌ها، برحسب ترتیب نزول) جهت تشخیص سور مکی و مدنی استفاده کرده است، که در زیر به چند نمونه اشاره می‌شود:

ذیل آیات ۹- ۱ سوره‌ی اعراف علامه‌ی طباطبایی با توجه به آیاتی نظیر «قُلْ أَمَرَ رَبِّي بِالْقِسْطِ»^{۱۲}، آیه‌ی «قُلْ إِنَّمَا حَرَّمَ رَبِّيَ الْفَوَاحِشَ مَا ظَهَرَ مِنْهَا وَمَا بَطَّنَ»^{۱۳} و آیه‌ی «قُلْ مَنْ حَرَّمَ زِينَةَ اللَّهِ الَّتِي أَخْرَجَ لِعِبَادِهِ وَالطَّيِّبَاتِ مِنَ الرِّزْقِ»^{۱۴} که متضمن مجملاتی است از واجبات و محرّمات است نزول سوره‌ی اعراف را قبل از نزول سوره‌ی انعام می‌داند زیرا در سوره‌ی انعام آیه‌ی «قُلْ لَأَأْتِيَنَّكُمْ أَمْثَلُ ذَلِكَ جَزَاءُكُمْ وَاللَّهُ عَلِيمٌ خَبِيرٌ»^{۱۵} وجود دارد که از آن بر می‌آید حکم به اباحه ماسوای آنچه که از محرّمات استثناء شده، قبلاً نازل شده بود و آیه‌ی مزبور به آیات این سوره اشاره می‌کند. ایشان در ادامه بیان می‌کند، از ظهور این آیه هم که صرف نظر کنیم احکام و شرایعی که در این سوره ذکر شده اجمالی‌تر از آن

^{۱۲} - بگو: «پروردگارم به دادگری فرمان داده است،... (اعراف/۲۹)

^{۱۳} - بگو: «پروردگار من فقط زشتکاری‌ها را - چه آشکارش [باشد] و چه پنهان - و گناه و ستم ناحق را حرام گردانیده است... (اعراف/۳۳)

^{۱۴} - [ای پیامبر] بگو: «زیورهایی را که خدا برای بندگانش پدید آورده، و [نیز] روزیهای پاکیزه را چه کسی حرام گردانیده؟...» (اعراف/۳۲)

^{۱۵} - بگو: «در آنچه به من وحی شده است، بر خورنده‌ای که آن را می‌خورد هیچ حرامی نمی‌یابم،... (انعام/۱۴۵)

احکامی است که در سوره‌ی انعام در آیه‌ی «قُلْ تَعَالَوْا أَتْلُ مَا حَرَّمَ رَبِّي عَلَيْكُمْ»^{۱۶} و آیات بعدیش ذکر گردید. و این خود دلیل روشنی است بر این که سوره‌ی اعراف قبل از سوره‌ی انعام نازل شده است (طباطبائی، المیزان: ۷/۸).

علامه در ابتدای تفسیر سوره‌ی شعرا بر اساس آیه‌ی «وَأَنْذِرْ عَشِيرَتَكَ الْأَقْرَبِينَ»^{۱۷} که مشتمل بر مأموریت پیامبر اکرم (ص) در اوّل بعثت است، معتقد است این سوره از سوره‌های نخستین مکی یعنی از آنهایی است که در اوایل بعثت نازل شده است. علامه در ادامه با توجه به آیه‌ی مذکور و آیه‌ی «فَاصْدَعْ بِمَا تُؤْمَرُ»^{۱۸} در سوره‌ی حجر و مقایسه‌ی مضمون آن دو با یکدیگر تخمین زده است که این سوره جلوتر از سوره‌ی حجر نازل شده است (همان: ۲۵۰/۱۵).

۳،۱،۳ ارتباط میان سور، فارغ از ترتیب خاص

بر اساس این دیدگاه، مناسبت‌هایی که برای سوره‌ها ذکر شده اختصاص به سور هم جوار یا ترتیب خاصی ندارد، بلکه میان سوره‌های دور نیز وجود دارد. آقای فقهی زاده در این باره معتقد است، شباهت‌هایی که طرفداران نظریه‌ی تناسب سور ردیف کرده‌اند، نمی‌تواند به سوره‌های هم جوار اختصاص داشته باشد، بلکه گاه حتی در سطح سوره‌های دور از هم بیشتر قابل رؤیتند. ایشان هم چنین می‌نویسد: «از آنجا که تمامی سوره‌ها در برآوردن هدف عمومی قرآن (هدایت انسان به کمال مطلوب) با هم مشترکند، هم چنین در لوازم رسیدن به این غرض، همگونی‌هایی یافته‌اند. چنین همگونی‌هایی - اگر ثابت شوند - قطعاً به سوره‌های متوالی نمی‌تواند اختصاص داشته باشند» (فقهی زاده، پژوهشی در نظم قرآن: ۱۳۹).

دیدگاه مذکور گر چه در ردّ ارتباطات ادّعایی میان سور بر مبنای ترتیب کنونی بیان شده لکن نشان می‌دهد که همه‌ی سوره‌ها با هم دارای ارتباط بوده و با قرار گرفتن آنها در هر موقعیتی این تناسب وجود خواهد داشت.

۳،۲ ارتباط و پیوستگی میان مجموعه‌ای از سوره‌های قرآن

مراد از این وجه تناسب، اعتقاد به نوعی تقسیم بندی در میان سوره‌های قرآن است که بر اساس آن نه تنها میان سوره‌های مجاور و یا کلّ قرآن نوعی پیوند مضمونی برقرار است، بلکه میان دسته‌هایی از سور قرآنی نیز نوعی هماهنگی و همسویی وجود دارد. (با کمی تلخیص به نقل از؛ ایازی: ۶۶).

در این گونه از تناسب، دسته بندی سوره‌ها بر دو اساس صورت می‌گیرد: اوّل، ظاهر جملات و خصوصیات محتوایی سور، یا به عبارت دیگر روش اجتهادی. دوّم، دسته بندی مبتنی بر احادیث و مستند به وحی یا مأثور.

^{۱۶} - بگو: «بیاید تا آنچه را پروردگارتان بر شما حرام کرده برای شما بخوانم... (انعام/۱۵۱)

^{۱۷} - و خویشان نزدیکت را هشدار ده. (شعراء/۲۱۴)

^{۱۸} - پس آنچه را بدان مأموری آشکار کن... (حجر/۹۴)

از جمله‌ی افرادی که به بیان این نوع از مناسبات پرداخته‌اند، می‌توان به عبد الله درّاز (درّاز: ۱۵۴)، و عبدالعلی بازرگان اشاره کرد. از دیدگاه بازرگان، سوره‌های قرآن را می‌توان فصول این کتاب و مجموع چند سوره‌ی مجاور را جلد جداگانه‌ای از کتاب تلقی کرد. برخی از این مجموعه‌ها به راهنمایی حروف مقطعه قابل تشخیص‌اند؛ مثل هفت سوره‌ای که با حروف مقطعه‌ی حم افتتاح شده‌اند (مؤمن، فصلت، شوری، دخان، جاثیه و احقاف)، یا شش سوره‌ای که دارای حروف مقطعه‌ی الر هستند (یونس، هود، یوسف، رعد، ابراهیم و حجر). همین‌طور سوره‌هایی با حروف مقطعه‌ی طس و الم و... برخی دیگر از طریق روابط متقابل و روشنی که با یکدیگر دارند، می‌توان شناخت. مثل سوره‌های بقره و آل عمران که هر دو دارای حروف مقطعه‌ی الم بوده، اوّلی اشاره به تاریخ بنی اسرائیل در دوره حضرت موسی (ع) (یهودیان) دارد، و دوّمی مسیحیت را از آل عمران که ریشه‌ی اصلی این قوم بودن معرفی می‌نماید. همچنین سوره‌های مکملی همچون جمعه و منافقین (که در رکعات نماز جمعه خوانده می‌شوند) ...؛ فیل و قریش (تاریخ قریش در مکه) ناس و معوذتین که پیوند محدودی را حداقل میان دو سوره نشان می‌دهند ...؛ سیاق عمومی سوره‌ها نیز می‌تواند رهگشایی برای این امر باشد، از جمله سه سوره‌ی ۴۷ تا ۴۹ (سوره‌ی محمد (ص)، فتح، حجرات) که از نظر مضمون و محتوا بسیار به یکدیگر شبیه بوده، سیاق واحدی را تعقیب می‌نمایند و مخاطب اصلی همه‌ی آنها شخص رسول اکرم (ص) می‌باشد (بازرگان: ۷/۱).

البته در سخن فوق، برای برخی از مجموعه‌ها می‌توان مبنای حدیثی نیز یافت؛ نظیر سوره‌های بقره و آل عمران که در حدیث از آن به عنوان «الزهرآوان» (ابن حنبل: ۲۴۹/۵، ۲۵۱، ۲۵۵، ۲۵۷؛ دارمی: ۸۴۶؛ طبرسی، تفسیر جوامع الجمع: ۱۵۸/۱؛ سیوطی، الدر المنثور: ۱۸/۱). یا سوره‌های معروف به حوامیم که در احادیث با همین عنوان یاد شده‌اند (ابوالفتوح رازی: ۲/۱۷ - ۱؛ طبرسی، مجمع البیان: ۲۲۵/۲۱؛ سیوطی، الدر المنثور: ۳۴۴/۵).

در برابر کسانی که از رأی و اجتهاد، برای تعیین مجموعه‌های سور قرآنی، بهره می‌برند، برخی دیگر، احادیث و روایات را به عنوان ملاک تعیین این مجموعه‌ها جهت بررسی پیوستگی میان آنها برگزیده‌اند. مهم‌ترین نوع این تقسیم بندی، برگرفته از روایتی است که در ضمن آن پیامبر اکرم (ص)، قرآن را در چهار مجموعه خلاصه کرده است. ضمن این حدیث که از طرق مختلف روایت شده، پیامبر اکرم (ص) می‌فرماید: «أعطیت مکان التوراة، السبع الطول و أعطیت مکان الزبور، المثین و أعطیت مکان الانجیل، المثانی و فضّلت بالمفضّل» (برای نمونه ن.ک: طبری: ۳۵/۱ - ۳۴؛ کلینی: ۶۰۱/۲؛ طوسی، ۲۰/۱؛ نیشابوری، محمود: ۴۷۳/۱؛ سیوطی، الدر المنثور: ۱۰۱/۶؛ عروسی حویزی: ۲۶/۵).

طرفداران این وجه از پیوستگی میان سوره‌ها معتقدند، از آن جهت که پیامبر (ص) نوعی تقسیم‌بندی در بین سوره‌ها قرآنی به وجود آورده است، پس نوعی ارتباط و مناسبت میان هر کدام از این دسته‌ها وجود دارد و نظم خاصی بر چهار مجموعه حاکم است.

از این میان می‌توان به تلاش‌های سعید حوئی، مؤلف «الاساس فی تفسیر» اشاره کرد. وی با تأکید بر حدیث فوق، که آن را حسن می‌داند، اساس کار خود را بر حصه‌های چهارگانه‌ی قرآن: طوال، مئین، مثنی و مفصل پایه‌گذاری می‌کند و بنابر بررسی‌هایی که انجام می‌دهد و شواهدی که در آغاز تفسیر هر قسم یاد می‌کند، چارچوب‌های هر یک از این اقسام، و تقسیمات آن را به شکل زیر مشخص می‌نماید:

- ۱- سبع طوال، که شامل سوره‌ی بقره تا پایان سوره‌ی براءت می‌شود و یک مجموعه را تشکیل می‌دهد.
 - ۲- قسم مئین، شامل سوره‌هایی که بیشتر آنها حدود صد آیه دارند و از سوره‌ی یونس شروع و به انتهای سوره‌ی قصص ختم می‌شود. وی این قسم را مرکب از سه مجموعه می‌داند.
 - ۳- سوره‌های مثنی که پس از مئین قرار دارند و آیات آنها از صد کمتر است. این قسم از سوره‌ی عنکبوت شروع و تا پایان سوره‌ی ق امتداد دارد و مشتمل بر پنج مجموعه می‌باشد.
 - ۴- سوره‌های بخش مفصل که کوتاه‌ترند و جدایی آنها با «بسم الله الرحمن الرحيم» صورت گرفته است. این بخش، از سوره‌ی ذاریات تا انتهای قرآن گستره دارد و در آن ۱۵ مجموعه قرار گرفته است (حوئی: ۳۰/۱، ۶۷۷۷/۱۱، ۶۷۷۱).
- سعید حوئی درباره‌ی پیوستگی میان هر گروه و مجموع سوره‌ها در ابتدای کتابش می‌نویسد: «خدا از کودکی بر من منت نهاد که همیشه درباره‌ی اسرار پیوستگی بین آیه‌ها و سوره‌ها بیندیشم، و در قلبم از کوچکی فتح بابی شده بود تا ربط میان سوره‌ی بقره با دیگر سوره‌های طولانی (طوال) را بیابم، و چنین بدانم که این هفت سوره یک مجموعه‌ی منظم و پیوسته از تقسیم بندی‌های قرآن هستند...» (همان: ۲۱/۱). ایشان در مورد همه‌ی دسته‌هایی که در بالا بیان شد، چنین طرخی دارد و به دنبال اثبات پیوستگی میان هر گروه و مجموع سوره‌هاست.

علامه‌ی طباطبایی معتقد است مضمون سوره‌هایی که با حروف مقطعه آغاز می‌شود به یکدیگر شبیه بوده و در سوره‌هایی که حروف مقطعه‌ی آنها از یک نوع است، شباهت بیشتر و اغراض به هم نزدیک تر است (طباطبائی، المیزان: ۹/۱۸-۸). بدین ترتیب علامه پیوستگی میان سوره‌های دارای حروف تهجی را خاطر نشان می‌سازد. اما زیربنای روایی چنین دسته بندی را می‌توان در احادیث مختلف مشاهده کرد؛ برای نمونه از حضرت علی (ع) نقل شده است: «لکل کتاب صفة و صفة هذا الكتاب حروف التهجی»^{۱۹} (بغوی: ۸۰/۱؛ طبرسی، مجمع البیان: ۵۵/۱). یا روایاتی که از سوره‌های دارای حروف تهجی با یک عنوان خاص یاد شده است.^{۲۰}

^{۱۹} طبق این روایت می‌توان حروف مقطعه را به عنوان یک مجموعه تلقی کرد.

^{۲۰} برای نمونه؛ حضرت علی (ع) در احتجاج خود با فردی یهودی درباره‌ی فضیلت پیامبر اکرم (ص) می‌فرماید: «... مُحَمَّدٌ صَ أُعْطِيَ مَا هُوَ أَفْضَلُ مِنْهُ أُعْطِيَ مُحَمَّدًا صَ سُورَةَ الْبَقَرَةِ وَ الْمَائِدَةَ بِالْأَنْجِيلِ وَ طُوَسِينَ وَ طه وَ نِصْفَ الْمُفْصَلِ وَ الْحَوَامِيمَ بِالتَّوْرَةِ...» (مجلسی: ۳۳/۱۰)؛ قَالَ رَسُولُ اللَّهِ (ص): «الْحَوَامِيمُ»

باید توجه داشت در این مورد دیدگاه علامه با سایرین یک تفاوت بنیادین دارد؛ از آن جهت که تقسیم بندی سوره‌ها در سایر نظریات غالباً مبتنی بر رعایت ترتیب مصحف کنونی است؛ به عبارت دیگر، در تحدید مجموعه‌ها ترتیب فعلی سوره حفظ شده است. اما مجموعه‌ای که علامه تعیین کرده‌اند، فارغ از ترتیب سوره‌ها در مصحف کنونی است. برای نمونه، ایشان معتقدند سوره‌ی اعراف با سوره‌ی صاد دارای مضامین مشترک هستند (طباطبائی، المیزان: ۹/۱۸)، و این در حالی است که سوری اعراف در ترتیب مصحف کنونی سوره‌ی هشتم و سوره‌ی صاد سوره‌ی سی و هشتم است.

ارتباط میان سوره‌ی حمد و دیگر سوره‌ها، یکی از موارد ارتباط میان مجموعه‌ای از سوره‌هاست که در بین برخی از قرآن پژوهان جایگاه ویژه‌ای داشته و به بررسی آن پرداخته‌اند. با توجه به روایت مختلف مبنی بر فاتحة الكتاب، فاتحة القرآن و أم الكتاب بودن سوره‌ی حمد (ن.ک؛ سیوطی، الاتقان: ۱۴۲-۱۴۱)، می‌توان گفت این گونه از مناسبات بر مبنای روایی شکل گرفته و از این جهت طرفداران تناسب میان سوره‌ها، در بررسی مناسبات بین سوره‌ها، سوره‌ی حمد را مدخل بنیادین کار خود قرار می‌دهند. همه‌ی آنان این سوره را نه صرفاً به عنوان امر آغازین، بلکه به منزله‌ی جامع مضامین مندرج در قرآن محسوب کرده (همان: ۸۱۰-۸۰۹)، دیباچه‌ی اصلی متن قرآن به شمار می‌آورند (ابوزید: ۲۷۶)، و از آن به مثابه براءت استهلال برای کل قرآن یاد می‌کنند (زرکشی: ۱۱۱/۱-۱۱۰؛ سیوطی، ترتیب سور القرآن: ۳۷؛ ابن معصوم: ۵۵/۱).

برخی از قرآن پژوهان جدای از این روابط عام، یکسری ارتباطات خاص نیز بین سوره‌ی حمد و سایر سوره‌ها ترسیم کرده‌اند. گروهی معتقدند شروع سوره‌ی مبارکه‌ی بقره با «ذَلِكَ الْكِتَابُ لَا رَيْبَ فِيهِ»^{۲۱} اشاره به آیه‌ی «اهدنا الصِّرَاطَ الْمُسْتَقِيمَ»^{۲۲} در سوره‌ی حمد است. گویی چنان است که وقتی بندگان هدایت به راه راست را از خداوند درخواست کردند، به ایشان خطاب شده: راهی که می‌خواهید به آنجا هدایت شوید در همین کتاب است (زرکشی: ۱۳۴/۱؛ سیوطی، الاتقان: ۷۰۰).

حامد ابوزید، با استناد به سخنان زرکشی بیان می‌دارد، احکامی در سوره‌ی فاتحه ذکر شده که سوره‌ی بقره حاوی «دلایل» آن احکام و سوره‌ی آل عمران متضمن «پاسخ شبهات» در باب آن دلایل است و از آنجا که شبهات را دشمنان یهودی و سپس دشمنان مسیحی می‌پراکنند، طبیعی است که سوره‌ی بقره مقدم بر سوره‌ی آل عمران باشد زیرا رابطه‌ی اسلام با یهودیت به سبب مجاورت مکانی یهودیان بیشتر و پیشتر از رابطه‌ی اسلام با مسیحیان بوده و نیز از جهت تاریخی، تورات مقدم بر انجیل بوده است (ابوزید: ۲۸۰).

دِيْبَاجُ الْقُرْآنِ» (همان: ۳۰۲/۸۹)؛ قَالَ رَسُولُ اللَّهِ (ص): «لِكُلِّ شَجَرٍ نَمْرٌ وَإِنَّ نَمْرَاتِ الْقُرْآنِ ذَوَاتُ حَمٍ» (همان)؛ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ (ع): «قَالَ الْخَوَاصِمُ رِيَّاحِينَ الْقُرْآنِ» (همان: ۳۰۲/۸۹).

^{۲۱} - این است کتابی که در [حقانیت] آن هیچ تردیدی نیست... (بقره/۲)

^{۲۲} - به راه راست ما را راهبر باش، (حمد/۶)

عده‌ای نیز پا را از ارتباط مذکور فراتر نهاده و مدعی شده‌اند، میان سوره‌ی حمد و سوره‌ی ناس، که از نظر ترتیب کنونی اولین و آخرین سوره‌ی قرآن هستند، ارتباط و پیوستگی وجود دارد (بقاعی: ۱۶/۱ - ۱۵؛ بازرگان: ۳۳۲/۴).

بقاعی در باب شدت اتصال سوره‌ی ناس و سوره‌ی حمد می‌گوید: «هم‌چنان که «تعوذ» با شروع در قرائت متناسب است، همان‌طور نیز دو سوره‌ی «معوذتین» و با سوره‌ی «حمد» مناسبت دارد؛ یعنی این که آنها قبل از «حمد» قرائت شده و سپس «حمد» تلاوت شود. از همین رهگذر است که تناسب «معوذتین» با سوره‌ی حمد «روشن» می‌گردد (بقاعی: ۱/۱۶).

فهرست منابع و مآخذ

- ۱- قرآن کریم
- ۲- ابن عاشور، محمد بن طاهر، التحرير و التنوير، بی جا، الدار التونسیّة للنشر، بی جا.
- ۳- ابوزید، نصر حامد، معنای متن، ترجمه‌ی مرتضی کریمی نیا، تهران، طرح نو، ۱۳۸۰ ش.
- ۴- ایباری، ابراهیم، الموسوعة القرآنیّة، قاهره، مؤسسة سجل العرب، ۱۴۰۵ ق.
- ۵- احمدخان هندی، ابن محمد تقی، تفسیر القرآن و هو الهدی و الفرقان، ترجمه‌ی محمد تقی فخر داعی گیلانی، چاپ دوّم، تهران، ابن سینا، ۱۳۳۴ ش.
- ۶- ایازی، محمدعلی، چهره پیوسته قرآن، تهران، نشر هستی نما، چاپ اوّل، ۱۳۸۰ ش.
- ۷- بازرگان، عبد العلی، نظم قرآن، تهران، انتشارات قلم، چاپ اوّل، ۱۳۷۲ ش.
- ۸- بقاعی، ابراهیم بن عمر، نظم الدرر فی تناسب الآیات و السور، قاهره، دار الکتب الاسلامی، چاپ دوّم، ۱۴۱۳ ق.
- ۹- جوادی آملی، عبدالله، تفسیر تسنیم، قم، مرکز نشر اسراء، ۱۳۸۵ ش.
- ۱۰- جویباری، یعسوب الدّین، تفسیر البصائر، بی جا، المطبعة الاسلامیّة، چاپ اوّل، بی تا.
- ۱۱- حجتی، محمدباقر، پژوهشی در تاریخ قرآن، تهران، دفتر نشر فرهنگ اسلامی، ۱۳۷۳ ش.
- ۱۲- خامه گر، محمد، ساختار هندسی سوره های قرآن، تهران، سازمان تبلیغات اسلامی، شرکت چاپ و نشر بین الملل، چاپ دوّم، ۱۳۸۶ ش.
- ۱۳- رامیار، محمود، تاریخ قرآن، تهران، نشر امیر کبیر، ۱۳۶۲ ش.
- ۱۴- رشید رضا، محمد، تفسیر المنار، بیروت، دار المعرفة، ۱۴۱۴ ق.
- ۱۵- سیوطی، جلال الدین عبدالرحمان، الاتقان فی علوم القرآن، بیروت، دار الکتب العربی، ۱۴۲۵ ق.
- ۱۶- -----، ترتیب سور القرآن، تحقیق سید الجمیلی، بیروت، دار مکتبه الهلال، ۲۰۰۰ م.
- ۱۷- طباطبائی، محمد حسین، المیزان فی تفسیر القرآن، بیروت، مؤسسة الاعلمی المطبوعات، ۱۳۹۲ ق.
- ۱۸- -----، قرآن در اسلام، قم، مرکز نشر اسراء، ۱۳۸۵ ش.
- ۱۹- طبرسی، فضل بن حسن، مجمع البیان فی تفسیر القرآن، تحقیق رضا ستوده، تهران، انتشارات فراهانی، ۱۳۶۰ ش.
- ۲۰- فخر الدّین رازی، محمد بن عمر، مفاتیح الغیب، بیروت، دار احیاء التراث العربی، ۱۴۲۰ ق.

- ۲۱- فقهی زاده، عبد الهادی، پژوهشی در نظم قرآن، تهران، نشر جهاد دانشگاهی، ۱۳۷۴ش.
- ۲۲- مجلسی، محمد باقر، بحار الانوار، الجامعة لدرر الاخبار الائمة، بیروت، مؤسسة الوفاء، ۱۴۰۴ق.
- ۲۳- مراغی، محمد مصطفی، تفسیر المراغی، بیروت، دار احیاء التراث العربی، بی تا.
- ۲۴- مسلم، مصطفی، مباحث فی تفسیر الموضوعی، دمشق، دار القلم، چاپ اول، ۱۴۱۰ق.
- ۲۵- معرفت، محمد هادی، تاریخ قرآن، تهران، انتشارات سمت، چاپ هفتم، ۱۳۸۴ش.
- ۲۶- همامی، عباس، چهره زیبای قرآن، اصفهان، بصائر، ۱۳۷۵ش.